

مقدمه

دیگر قرار نیست پیامبری بیاید. خدا تمام پیامبرانش را مبعوث کرده است. و حالا آخرین سال حیات آخرین پیغمبر است. دین او پنج پایه دارد. بارها و بارها در میان مردم نماز گزارده و نیز فرموده: «آن گونه نماز بخوانید که می بینید من نماز می خوانم.»^(۱) هر سال با مسلمانان در مکه و مدینه روزه گرفته است و احکام زکات را در قرآن و سخنان خود توضیح داده است.

ولی از زمانی که به مدینه هجرت نموده و فوج فوج بر تعداد مسلمانان افزوده شده، شرایط برای انجام حج (نه عمره) فراهم نشده است؛ یکی از پایه های اسلام که مناسکی چند روزه دارد و جزئیات بسیار.

اما از همان اولین دعوت آشکار، دعوت بستگان نزدیک، همواره از وصی بعد از خود سخن گفته، بارها و بارها و بارها. این همه اما برای اساسی ترین اساس اسلام کافی نیست. باید به گونه ای حجّت بر

همگان تمام شود که در تمام جغرافیای پهناور این روزهای اسلام، جای هیچ شک و شبهه و تردید باقی نماند.

پیامبر ﷺ نگران روزهای پس از خود است؛ نگران در خانه‌ی دخترش!

از آسمان دستور آمده، پیامبر امسال از مدینه عازم حج خواهد شد. خبر به تمام نقاط دور و نزدیک رسیده. گروه گروه مسلمانان از راه‌های گوناگون خود را به «کاروان حجّة الوداع» رسانده‌اند. حضرت علی عليه السلام با دوازده هزار نفر از یمن، مستقیم از مأموریت در آن منطقه به مکه آمده است.

یکصد و بیست هزار نفر جمعیت مسلمان در سال دهم هجری همراه با رسول خدا حج می‌گذارند.

صحرای عرفات محلّ نخستین حضور دسته جمعی حاجیان در مناسک حج است. در همین اولین اجتماع، علم انبیا و امانت‌های نبوت را به وصی خود و پسرعمویش می‌سپارد. روزهای بعد، در سرزمین منا دو بار خطبه می‌خواند و از جانشین بعد از خود می‌گوید. با بازگشت از منا به شهر مکه، لقب اختصاصی «امیرالمؤمنین» برای حضرت علی عليه السلام از عرش الهی می‌رسد و تک‌تک اصحاب به خدمت او آمده و «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» می‌گویند.

با این همه، پیامبر ﷺ نگران روزهای پس از خود است؛ نگران پهلوی دخترش!

با پایان مناسک حج، پیامبر بی‌درنگ از مکه راهی مدینه می‌شود. همگان نیز مأمور به همراهی شدند. ساکنان مکه حتی آمدند. کاروان یمن حتی که مسیرشان در جهتی دیگر بود نیز آمدند.

تاکنون جبرئیل دو بار نازل شده، از جانب خدا مأموریتی برای

رسول خدا ﷺ آورده است. کاروان «حجّة الوداع» به نقطه‌ی تقسیم راه‌ها و جدا شدن مسیرها نزدیک شده است. حالا جبرئیل برای بار سوم نازل می‌شود. پیامبر توقف نموده، فرمان جمع شدن همگان در منطقه‌ی «غدیر خم» صادر می‌شود: «آنان که پیش رفته‌اند بازگردند و آنان که پشت سر هستند، خود را برسانند و همه در نقطه‌ی معینی گرد هم آیند.»

این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شده است:

﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾ (۱)

ای فرستاده! آنچه از جانب خداوند بر تو فرود آمده، (به اطلاع مردم) برسان. اگر انجام ندهی، رسالتش را به انجام نرسانده‌ای. خداوند تو را از (آسیب) مردمان حفظ می‌کند.

دل‌سوزترین کس برای مؤمنان، نگران روزهای پس از خود است؛ نگران رفتار امتش با کتاب آسمانی‌اش!

یاران پیامبر ﷺ با سنگ و اسباب و وسایل شترها و... جایگاه بلندی فراهم کردند که بتوان بر آن ایستاد و خطبه خواند.

آخرین پیامبر خدا، آخرین خطابه‌ی رسمی خود را ایراد می‌کند. وصی او از همان ابتدا، کنارش، قدری پایین‌تر ایستاده است. با حمد و ثنای خدا آغاز می‌کند. پس از شهادت به یگانگی او و برشمردن برخی صفاتش، خطابه‌ای طولانی با تأکید بر این محورها ایراد می‌نماید:

۱. اهمّیت آیه‌ی نازل‌شده.

۲. حضور منافقان، دلیل نگرانی پیامبر خدا ﷺ نسبت به ابلاغ آیه.

۳. مشخص بودن تک تک آن افراد برای رسول خدا ﷺ.
۴. تعیین کننده‌ی وصی و جانشین، خداست.
۵. لزوم پیروی همه جانبه‌ی همگان بعد از رسول خدا ﷺ از حضرت علی علیه السلام.
۶. انتقال تمام شئون و کمالات و علم نبوت به حضرت علی علیه السلام جز جایگاه نبی بودن.
۷. بر شمردن فضایل حضرت علی علیه السلام از قرآن و... و گوشه‌زد کردن نتایج پیروی یا نافرمانی از ایشان.
۸. همبستگی همیشگی قرآن و عترت.
۹. معرفی کامل شخص حضرت علی علیه السلام با نشان دادن ایشان و بالا بردن دستشان به گونه‌ای که جای هیچ‌شک و تردید باقی نماند.
۱۰. دین تنها و تنها با امامت حضرت علی علیه السلام کامل می‌گردد.
۱۱. «امیرالمؤمنین» بودن فقط و فقط مختص شخص علی بن ابی طالب علیه السلام است.
۱۲. هشدار و اخطار نسبت به وقایع بعد از رسول خدا ﷺ و انحراف‌ها و گمراهی‌ها و عواقب آن.
۱۳. استمرار همیشگی امامت در فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و معرفی آخرین امام با نام و صفات و فضایل ایشان.
۱۴. بیعت رسمی با دست و زبان، با حضرت علی علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» و جانشین پیامبر و صاحب اختیار همگان بعد از آن حضرت صلی الله علیه و آله.
۱۵. لزوم مراقبت بر عبادات و یادگیری احکام آن از امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۶. بالاترین معرفی که باید به آن امر کرد، پیام غدیر است.
۱۷. همگان موظف به انتقال پیام غدیر به دیگران و آیندگانند.

در جای جای خطابه به وضوح می‌توان دید که برترین آفریدگان، نگران روزهای پس از خود است؛ نگران قرن‌ها ییمی امّتش!

با به پایان رسیدن خطابه، مردم برای بیعت کردن و تبریک گفتن گرد رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام جمع شدند. در این میان آنان که چندی بعد، پیش از همه پیمان شکستند، برای بیعت کردن از دیگران سبقت می‌گرفتند! پیامبر ﷺ چند بار در طول سخنرانی خود به آنان اشاره کرده بود، حتی از آنان با عنوان «اصحاب صحیفه» یاد نموده بود.

ماجرای این قرار بود که پنج نفر از منافقان پیمان‌نامه‌ای تنظیم و امضا نموده بودند که طبق آن هم‌قسم شده بودند به هیچ قیمت اجازه‌ی جانشینی پیامبر را به اهل بیت ایشان ندهند. این عده، به همراه نه نفر دیگر در حجّة الوداع هم‌پیمان شدند که در راه بازگشت از مکه به مدینه، با نقشه‌ای حساب‌شده رسول خدا ﷺ را به قتل برسانند و مانع اعلام رسمی و همگانی جانشینی امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام شوند.

هر چند پیش از رسیدن به موقعیت مورد نظر آنان و در غدیر خم این مراسم عمومی برگزار شد و توطئه‌ی آنان خنثی شد، اما از تصمیم شوم خود منصرف نشده و در گردنه‌ی پیش‌بینی شده نقشه‌ی خود را عملی ساختند. این بار نیز به امداد الهی نه تنها جان پیامبر ﷺ محفوظ ماند، بلکه با معجزه‌ای دیگر، دو تن از اصحاب راستین آن حضرت (حذیفه و عمّار) تمام چهارده نفر منافق را به دقت شناختند: ... معاویه، عمرو عاص، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالرحمن بن

عوف، ابو عبیده بن جراح، ابوموسی اشعری، ابوهریره، مغیره بن شعبه و... (۱)

آری؛ پیامبر نگران روزهای پس از خود است؛ نگران آتشی در
کوچه‌های مدینه!

مراسم غدیر سه روز به طول می‌انجامد. جمعیت انبوه از مرد و زن در این روزها با امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بیعت می‌کنند. مردان با حضرتش دست می‌دهند و بانوان با قرار دادن دست خود در تشت آبی که آن سوی پرده‌ی خیمه، دست امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در آن است، بیعت می‌نمایند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عمامه‌ی خود، «سحاب» را بر سر امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌بندند. این کار در عرب برای ابراز اعتماد و اطمینان است.

نزول آیات ابتدای سوره‌ی معارج (۲) در پی یکی دیگر از اتفاقات مهم این روزها بوده است. مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده و با گستاخی درباره‌ی منشأ اصلی توحید و نماز و زکات و حج و جهاد و در آخر جانشینی حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال می‌کند که از جانب خداست یا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با متانت به او پاسخ می‌دهند. مرد در حالی که به سمت مرکبش راه افتاده می‌گوید: «خدایا اگر محمد راست می‌گوید و این امور از جانب توست، پس سنگی از آسمان بر ما بار یا عذاب دردناکی بیاور!» هنوز به مرکب نرسیده که سنگی از آسمان بر سرش فرود می‌آید و از پشتش خارج شده و همان جا جان می‌دهد. (۳)

۱. تفصیل این ماجرا را بنگرید در: ارشادالقلوب ۲ / ۳۲۸ ج ۳۳۶؛ بحارالانوار ۲۸ / ۹۵ - ۱۰۶.

۲. المعارج (۷۰) / ۱ - ۳: ﴿سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ * مِنَ اللَّهِ ذِي

الْمَعَارِجِ﴾.

۳. بحارالانوار ۳۷ / ۱۶۳ و ۱۶۴. نیز بنگرید به صفحات: ۱۳۶ و ۱۶۷ و ۱۷۴ و ۱۷۵.

«ایام الولاية» از هجدهم تا بیستم ذی حجه سال دهم هجری در سرزمین غدیر برگزار می‌شود و سند غیر قابل انکار ولایت و امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام برای همیشه چون آفتاب درخشان در قلب آسمان تاریخ ثبت می‌گردد.

و امت اسلام می‌ماند و نگرانی‌های پیامبرش صلی الله علیه و آله.

مدارک خطبه‌ی غدیر

بی‌شک هیچ حدیثی در تمام اسلام، به اندازه‌ی حدیث غدیر (من کنت مولاة فهذا علی مولاة) از اسناد و مدارک فراوان برخوردار نیست. به گونه‌ای که کتاب‌هایی درباره‌ی این حدیث و اسناد آن تألیف شده است.

متن مفصل و کامل خطابه نیز به چند سند در کتب معتبر شیعی نقل شده است. از آن جمله:

۱. روضة الواعظین، تألیف محمد بن احمد فتال نیشابوری، در گذشته ۵۰۸ ق، انتشارات رضی قم (۱۳۷۵ ش)، ج ۱، ص ۹۱ تا ۹۹.
۲. الاحتجاج، تألیف احمد بن علی طبرسی، قرن ششم، نشر مرتضی مشهد (۱۴۰۳ ق)، ج ۱، ص ۵۸ تا ۶۶.
۳. الیقین، تألیف سید بن طاووس، در گذشته ۶۶۴ ق، نشر دارالکتاب قم (۱۴۱۳ ق)، ص ۳۴۶ تا ۳۶۱.
۴. اقبال الاعمال، تألیف سید بن طاووس، در گذشته ۶۶۴ ق، نشر دارالکتاب الاسلامیه تهران (۱۴۰۹ ق)، ج ۱، ص ۴۵۶ و ۴۵۷. (این نقل با سندی غیر از سند کتاب الیقین و شامل برخی از قسمت‌های متن مفصل خطابه است).
۵. الغدّد القویّة، تألیف علی بن یوسف حلّی (برادر علامه حلّی)، در گذشته ۷۰۳ ق، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی قم (۱۴۰۸ ق)، ص ۱۶۹ تا ۱۸۳.

متن پیش رو، طبق نسخه‌ی تحقیق شده‌ی جناب آقای محمدباقر انصاری در کتاب اسرار غدیر است که «پس از مقابله و تطبیق آن در مدارک نه‌گانه‌اش، یعنی کتاب‌های «روضه‌الواعظین» و «الاحتجاج» و «الیقین» و «التحصین» و «العُدَد القویة» و «الاقبال» و «الصراط المستقیم» و «نهج‌الایمان» و «نزهة الکرام» تنظیم و تلفیق و تنقیح شده است.»^(۱)

در این ترجمه کوشیده‌ایم - در حدّ توان و امکان - در عین پرهیز از مشکلات ترجمه‌ی تحت‌اللفظی، به وادی نقل مضمون و بیان تفسیرگونه نلغزیم. هر چند در این خدمت‌گزاری ناچیز به ساحت مقدّس نبوی و علوی از آن‌چه در توان داشتیم برای ارائه‌ی بازگردان فارسی دقیق چیزی فروگذار نکرده، پس از نگارش ترجمه، چهار اثر برگزیده را از میان ترجمه‌های به چاپ رسیده، از نظر گذرانیدیم و از رهنمون‌های برخی اساتید نیز بهره‌مند گشتیم، امّا حاصل تلاشمان را خالی از نقص و عیب ندانسته، انتقادات کارشناسی را - با اشتیاق و سرور - از طریق راه‌های ارتباطی دفتر انتشارات دریافت نموده و بر دیده‌می‌نهیم.

علاقه‌مندان برای مطالعه‌ای عمیق، هم‌چنین دسترسی به مدارک وقایع غدیر، می‌توانند به کتاب ارزشمند اسرار غدیر مراجعه نمایند.

در پایان، سلامتی و تعجیل در فرج احیاگر غدیر و مصداق حیّ عترت در این زمانه را از خداوند خواستاریم. و از درگاه او ثبات قدم در «صراط مستقیم» امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌طلبیم.